

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

بحثی که شد دیشب به اینجا رسید نکته‌ی دیگری که بود که راجع به تعریف مصادر متوسط اصولا ما با یک مشکلی روبرو هستیم مثلا همین کتاب محمد بن علی بن محبوب را آیا مصدر متوسط بدانیم یا نه ، متوسط به این اعتبار که در کتاب تهذیب آمده کتاب به ما نرسیده است مصدر متاخر باشد چون این موجود بوده تا صد سال بعد از شیخ موجود بوده نسخه موجود بوده است ، عین نسخه موجود بوده است ، بعدها خوب دیگر از بین رفت .

این حدیثی که دیشب خواندید از این کتاب به اصطلاح محمد بن علی بن محبوب یهدی له مولاہ المنقطع الیه ، به نظرم این روایت مراد من نبود یک روایتی است که به نام کلمه‌ی هدایا درش دارد اصلا تعبیر هدایا دارد ببینید این تعبیر را پیدا می‌کنید به نظرم در آنجا یک روایت دیگری دارد که هدایا دارد اصلا تعبیر هدایا دارد که درش خمس هست .

علی ای حال به این مناسبت ما یک توضیحاتی راجع به این کتاب و اینکه اصولا مرحوم اشعری از این آقای احمد بن هلال نقل می‌کند اینجا و جای دیگر فرقی هم نمی‌کند و کسانی دیگر هم نقل می‌کنند صاحب نوادر الحکمة هم از ایشان نقل می‌کند و اینکه انفراد دارد ایشان جای انصافا نکته‌ای جای بحث ندارد عبارت نجاشی هم که می‌گوید یعرف منها ضمیر منها به روایت برمی‌گردد ، صالح الروایة لکن یعرف منها از روایات ایشان نسخ ایشان بعضی‌ها معروفند بعضی‌ها معروف نیستند این منها به این معناست ، این چیزی که اینجا دارد .

این لا یعمل بما یختص بروایتہ عرض کردم در تهذیب لا اقل من سه مورد شما یک موردش را دیشب خواندید که آن خیلی به درد خور نبود حالا بعضی دیگرش را بیاورید به حساب ببینید در کل تهذیب من سه تا تا حالا دیدم سه جا می‌گوید لا یعمل بما یختص بروایتہ یا در خود تهذیب دیده یا نقل از تهذیب حالا درست در ذهنم نیست .

علی ای حال یک بحثی در این جهت بود البته این بحث راجع به این روایت خمس و هدیه را ما فعلا روی مصدر متوسطش بحث کردیم خوب از آن طرف مثلا می‌بینیم می‌شود از زاویه‌ی دیگر ابن ابی عمیر این را از ابان نقل می‌کند که ابان بن عثمان باشد و ایشان خوب ثقة و معروف و کتاب ایشان هم جزو کتب معروف بوده و محل کلام بوده است همین عبارت معروفی که احمد اشعری می‌گوید رفتم نزد و شاء کتاب ابان را از او بشنوم اصلا آنجا می‌گوید کتاب ابان است ، ابان بن عثمان یعنی این کتاب اینقدر در کوفه مشهور بوده که از

اما الان در ذهنم هست ابن ابی عمیر هم از ابان نقل می کند شما ابان تنها یا ابان بن عثمان بیاورید به نظرم در ذهنم ابن ابی عمیر نقل می کند اما آیا راوی کتاب مثل و شاء راوی کتابش است یا نه آن را الان در ذهنم نیست ، در فهرست نجاشی ابان را بیاورید و فهرست شیخ ، ابان بن عثمان را بیاورید .

ما عرض کردیم یکی از راه های بسیار هنوز بهترین راه برای ما یعنی در درجه ی اول فعلا در شناخت کتب و طریش و نسخه هایش فعلا همین دو تا فهرست هستند ، البته فهرست ابو غالب زراری هم هست که در درجات بعد است اما این دو تا فهرست خیلی موثرند ، فهرست شیخ و فهرست نجاشی در شناخت کتب مصادر و کیفیت آنها نزد ما تاثیر گذار است ، ابان چه دارد ایشان مرحوم شیخ ؟ ابان بن عثمان یا نجاشی ؟

و با اینکه کتابی که برایش نوشتند المبتداء نوشتند کتاب المبتداء والمغازی ، لکن خیلی روایت دارد یکی از مزایای ابان این است که تجارتش به بصره بود مقداری هم از میراث های بصره را به کوفه آورده است ابان دو تا نکته دارد هم از میراث کوفه نقل می کند هم واسطه ی نقل میراث بصره به کوفه است یعنی حلقه ی وصل همین ابان بن عثمان است رحمه الله .

یکی از حضار: حدیث نسبتا زیاد است

آیت الله مددی: بله ، عرض کردم داریم ما اما انما الکلام آیا راوی کتابش است نجاشی به عنوان راوی نسخه است ؟

یکی از حضار: در این جهتی که فرموده بودید بود اما در مورد نجاشی

آیت الله مددی: دارد عرض کردم داشتن دارد ، احتمالا از کتابش هم باشد کتاب معروفی بوده نمی شود انکار کرد اما انما الکلام آیا در طریشی که نجاشی یا شیخ دارند نسخه ای به اسم ابن ابی عمیر هست احتمالا ، که ابن ابی عمیر هم نسخه ای داشته است مثل و شاء ما و شاء عن ابان داریم و این معلوم است کاملا واضح است با آن قصه که یکی از نسخ معروف کتاب ابان همین نسخه ی و شاء است ، حسن بن علی

یکی از حضار: در نجاشی هر دو به احمد بن محمد بن ابی نصر عن ابان می خورد

آیت الله مددی: ها تقریبا معاصر با ابن ابی عمیر بخوانید طریق نجاشی را بخوانید تا ما یک ، چون ما بناست یک توضیحاتی راجع به فهرست نجاشی بدهیم حالا کم کم آشنا بشویم بله نجاشی چه می گوید ؟ توصیفاتش باشد حالا ابان و این بیچاره هم یکی از عجایب کار این است که اتهامات عجیب بعضی ها گفتند ناووسی بوده بعضی ها نوشتند واقفی بوده بعضی ها هم گفتند فطحی بوده خیلی عجیب است که بیگانه من نمی فهمم

یکی از حضار: ابان را

آیت الله مددی: ابان را، چه گناهی کرده است که هیچ کدام از اینها نبوده است، ناووسی که وجود خارجی ندارد این در رجال کشی در یک نسخه آمده کان من الناووسیه، در یک نسخه دیگری آمده کان من القادسیه، این برای قادیسیه است ربطی به آن ندارد آن ناووسی که من می گویم ناووس اسم غلام حضرت صادق بوده قائل بوده که حضرت صادق امام زمان است و یک چیزهای اوهامی نوشته است، همان که ناووسی که اصلا وجود خارجی اش معلوم نیست آن که هیچ.

عجیب است که مرحوم صاحب معالم می گوید از پدرم نقل شده که ابان فطحی است، علامه نوشته واقفی است اینها را اصلا چه مذهبی به ایشان نسبت دادند هیچ کدام نیست و شیعه ای امامیه است هیچ بحثی نداریم، چطور شده این دو تا مذهب متهافت هم به ایشان نسبت دادند آن را هم نفهمیدیم، بفرمایید.

یکی از حضار: مرحوم نجاشی مدخل ۸: له کتاب حسن کبیر یجمع المبتدأ والمغازی والوفاء والردة. أخبرنا بها

آیت الله مددی: این ظاهرش می خورد به تاریخ یعنی ظاهر این کتاب اما خوب ما در احکام از او زیاد داریم، این یجمع یعنی شاید نظر مرحوم نجاشی این باشد که اینها هم درش هست یک کتابی است که اینها هم هم درش هست ما در احکام ابان زیاد داریم و اینکه اینک کتاب کبیر است همینطور است یعنی کتاب حالا مبتداء و مغازی و رده و اینها را هم دارد این قسمت های تاریخی است اما از این شخص کتابش واقعا زیاد است و خیلی قابل اعتناء است یعنی از کتاب های قابل بحث بوده است، بفرمایید.

یکی از حضار: شیخ که می آید از اصلش جدا می کند می گوید یک اصلی هم دارد بعد طریق جدا

آیت الله مددی: احتمال دارد اصل داشته باشد

یکی از حضار: له اصل بعد طرق جدا برای آن

آیت الله مددی: عرض کردیم نجاشی اصول را نمی آورد شیخ می آورد او نمی آورد توضیحاتش را دادیم بفرمایید.

یکی از حضار: أخبرنا بها أبو الحسن التميمي قال

آیت الله مددی: این ابوالحسن التمیمی هر وقت که آمد از منفردات نجاشی است بعدش هم ابن عقده است دیگر این روشن است

یکی از حضار: حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد

آیت الله مددی: بله این از مشایخ نجاشی است که بغدادی بوده از ادبا هم هست نحوی، گاهی از او تعبیر شده المؤدب گاهی نحوی

تعبیر شده است مؤدب یعنی به حساب معلم علم ادب یعنی نحو و صرف و اینها لذا مثلاً سیوطی در بغیة الوعاة اسمش را دارد ابوالحسن

التمیمی محمد بن جعفر تمیمی لکن شیخ از ایشان نقل نمی‌کند ، نمی‌دانم حالا درکش نکرده ، نخواست است ؟ شاید در من حیث المجموع در نجاشی ۵۰ مورد ۴۸ مورد از این تمیمی تماما هم از ابن عقده است یعنی تمام مواردی که ایشان از تمیمی نقل می‌کند از ابن عقده است و طریقی را که ایشان نقل می‌کند طبیعتا افراد دارد شیخ این را نقل می‌کند ، ایشان توسط تمیمی می‌رود به کوفه از اینجا می‌رود به کوفه ابن عقده در کوفه است .

یکی از حضار: قال: حدثنا علي بن الحسن بن فضال

آیت الله مددی: ایشان دارد ابن عقده ابن فضال پسر را درک کرده است چرا راست است .

یکی از حضار: قال: حدثنا محمد بن عبد الله بن زرارہ قال: حدثنا أحمد بن محمد بن أبي نصر عن أبان بها .

آیت الله مددی: محمد بن عبدالله هم بد نیست نوهی زرارہ است بد نیست عن ابان ، این طریق ربطی به ابن ابی عمیر ، معلوم می‌شود طریق ابن ابی عمیر نبوده است ، شیخ چه طریقی دارد ؟ در این طریق یعنی ما در یکی از راه‌های خوب نسخه شناسی ما همین کتاب‌های فهرست است ، ابتدائا معلوم می‌شود نسخه‌ای بوده است البته این نسخه مرحوم جاشی خیلی وقت‌ها بیشترش به قم می‌آید اینجا به کوفه رفته است کوفه هم دارد زیاد است اما بیشتر به قم می‌آید این طریقی است برای کوفه بفرمایید ، اما شیخ .

یکی از حضار: چیز هنوز دارد: وأخبرنا أحمد بن عبد الواحد

آیت الله مددی: این ابن الحاشر است که استاد ایشان است و از مشایخ به اصطلاح معروف بغداد است این از ابن قولویه نقل می‌کند از صدوق نقل می‌کند از عده‌ای نقل می‌کند مرد بزرگواری است بفرمایید .

یکی از حضار: قال: حدثنا علي بن محمد القرشي

آیت الله مددی: ایشان هم از علمای بغداد است این بعدش علی بن حسن بن فضال ایشان هم برمی‌گردد به ابن فضال .

یکی از حضار: قال: حدثنا علي بن الحسن بن فضال .

آیت الله مددی: حالا این طریق بحث علمی دارد نمی‌خواهم واردش بشوم ایشان از طریق أبو الحسن علی بن محمد بن زبیر القرشی نقل می‌کند از ابن فضال پسر که این طریق اول نجاشی هم برگشت به ابن فضال پسر .

یکی از حضار: وأخبرنا أبو عبد الله بن شاذان قال: حدثنا أحمد بن محمد

آیت الله مددی: ابو عبدالله بن شاذان ، آن ابن احمد بن عبدالواحد استاد مشترک است ، مرحوم شیخ طوسی هم از او نقل می‌کند از مشایخ بغداد است ، این ابو عبدالله شاذان از مشایخ باز مختص است مثل همان تمیمی که گفتم یعنی از مشایخ نجاشی است که شیخ نقل

نمی کند ، ایشان ظاهراً از علمای قزوین بوده یک سفری حالا حج یا آمده عتبات آن سفر هنوز شیخ در بغداد نبوده است ، سفری که ایشان آمده هنوز شیخ بغداد نیامده است ، یکی از راه های ارتباط بغداد به قم این است ، ابو عبدالله شاذان ، راه ارتباط بغداد به قم این هم فقط نزد نجاشی چون شیخ ایشان را درک نکرده است ، چون اهل بغداد نبوده است ، یک سفری آمده که شیخ هم نبوده در بغداد لذا از ایشان نقل نمی کند ایشان غالباً از این علی بن حاتم و اینها نقل می کند ابن شاذان .

یکی از حضار: قال حدثنا احمد بن محمد بن يحيى

آیت الله مددی: ها از او هم زیاد نقل می کند پسر محمد بن یحیی عطار استاد کلینی از او هم زیاد نقل می کند .

یکی از حضار: قال: حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري قال: حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى قال: حدثنا أحمد بن محمد بن أبي نصر عن أبان بكتبه .

آیت الله مددی: بله هر سه طریق ایشان برگشت به بزنطی یعنی نسخه ای که مرحوم نجاشی دارد هر سه نسخه از طریق بزنطی است دو تایش برای کوفه است به دو طریق از ابن فضال پسری که هم برای قم است ، برای قم هم به حسب اصطلاح آن زمان شبهه ای که یعنی بهتر به اصطلاح این زمان نه آن زمان به حسب اصطلاح این زمان شبهه ای که دارد به خاطر احمد پسر محمد بن یحیی توثیقی ندارد همین جزو مشایخ اجازه است ، جزو مشایخ اجازه حساب شده است و غیر از این موارد هم نسبتاً ایشان زیاد دارد مواردی که به اصطلاح ایشان چیز می کند از احمد همین آقای چیز از احمد نقل می کند همین آقای شاذان قزوینی از احمد نقل می کند بفرمایید .

یکی از حضار: بله ایشان ، اما شیخ خیلی مفصل است باید بخوانم ، مدخل شصت و

آیت الله مددی: عرض کردم کتاب معروف است کاملاً واضح است کتاب معروف است و این نسخه ، نسخه ی خوبی است ، هر نسخه خوب هستند اما این نسخه ای که هست احمد می شود قبولش کرد اگر از پدرش بود بهتر قبول می شد .

یکی از حضار: داشت بکته یعنی

آیت الله مددی: بله عرض کردم چون این کتاب کبیرش یعنی شاید چند کتاب بوده است

یکی از حضار: شیخ تصریح می کند می گوید همه ی اینها یک کتاب واحد است اینجا شیخ بین مصنف و اصل تفکیک کرده است می گوید ما عرف من مصنفاته کتابه الذي يجمع «المبتدأ و المبعث و المغازي و الوفاة و السقيفة و الردة» بعد می فرمایند: أخبرنا بهذه الكتب - و هي كتاب واحد -

یکی از حضار: یعنی أبواب یک کتاب بودند .

آیت الله مددی : مثلاً .

یکی از حضار : بعد می گوید و له اصل بین مصنف و اصل هم اینجا فاصله گذاشته است ،

أخبرنا بهذه الكتب- و هي كتاب واحد- الشيخ أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان

آیت الله مددی : این مفید است استاد مشترک با نجاشی بفرمایید ببخشید

یکی از حضار : و الحسين بن عبيد الله

آیت الله مددی : ابن غضائری پدر ، حسین بن عبيد الله ابن غضائری پدر این هم مشایخ مشترک با نجاشی است ،

یکی از حضار : جميعا، عن محمد بن عمر بن يحيى العلوي الحسيني،

آیت الله مددی : این محمد بن يحيى حالا یک کمی محل کلام است بله العلوی بفرمایید .

یکی از حضار : قال: حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد - قراءة عليه.

آیت الله مددی : باز هم به ابن عقده است رفت بغداد لکن توسط این محمد بن يحيى علوی رفت به بغداد ، رفت به کوفه معذرت

می خواهم این احمد بن محمد بن سعيد کوفی است از اینجا با نجاشی یکی می شود ، بفرمایید .

یکی از حضار : و أخبرنا أحمد بن محمد بن موسى، قال: أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدثنا (علي بن الحسن) بن فضال،

آیت الله مددی : همه اش با نجاشی یکی می شود .

یکی از حضار : قال: حدثنا محمد بن عبد الله بن زرارة، قال حدثنا أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن أبان .

آیت الله مددی : با نجاشی می روند به کوفه این دو طریق همه اش می رود به کوفه از بغداد می رود به طرف کوفه .

یکی از حضار : بعد ایشان یک انشعابی می زنند از ابن فضال : قال: (علي بن الحسن) بن فضال: و حدثنا إسماعيل بن مهران، قال:

حدثنا أحمد بن محمد بن أبي نصر و محمد بن سعيد بن أبي نصر جميعا، عن أبان.

آیت الله مددی : بله .

یکی از حضار : و أخبرنا أحمد بن عبدون

آیت الله مددی : این همان استاد نجاشی است که گفت عبد الواحد

یکی از حضار : ابن حاشر ؟

آیت الله مددی : ابن حاشر .

یکی از حضار: قال: حدّثني علي بن محمد بن الزبير، قال: حدّثنا

آیت الله مددی: عین نجاشی است طریق نجاشی.

یکی از حضار: حدّثنا علي بن الحسن بن فضال.

آیت الله مددی: عین نجاشی.

یکی از حضار: و أخبرنا الحسين بن عبيد الله قال: قرأته على أبي غالب أحمد بن محمد

آیت الله مددی: معلوم می شود تا آن زمان کتاب موجود بوده قرأت که می گوید معلوم می شود تا آن زمان همین کتاب ابان، عرض کردم شهرت کتاب، این را ببینید قرائن ما یکی یکی دقت کردید در کار فهرستی خیلی ریزه کاری ها هست از جاهای مختلف جمع می کنیم تا به یک نتیجه ای برسیم.

یکی از حضار: قال: حدّثنا جدّ أبي وعمّ أبي

آیت الله مددی: این در اینجا درست تعبیر نکرده است شیخ در اینجا درست تعبیر نکرده است این تعبیر این طوری نمی گفتند این اشتباه نوشته شیخ اشتباه نوشته است، ایشان می گوید قرأت علی ابی غالب الزراری باید بگوید حدّثکم، وقتی قرأت می گوید نجاشی این را مراعات می کند می گوید قرأت علی فلان، حدّثکم یکی از حضار: آن حدّثی است حدّثکم ندارد

آیت الله مددی: حدّثکم آنها وقتی قرائت می گوید، می گوید قرأت علیه آن می گوید و حدّثکم فلان به عنوان چون قرائت، چون بر او قرائت شد می گوید به شما این آقا گفت نمی گوید دیگر حدّثنا وقتی قرأت می گوید عرض کردم نجاشی چند مورد می خواهید بیاورید شاید ۷، ۸، ۱۰ مورد است در نجاشی

یکی از حضار: یعنی قرأت کتاب شیخ را بر شیخ

آیت الله مددی: ها وقتی می گوید قرأت علیه آن وقت چه می گوید مثلاً فرض کنید می گوید قرأت بر شیخ طوسی که از استادش مثلاً مفید این طور می گوید قرأت علی الشیخ الطوسی حدّثکم مفید، حدّثکم.

یکی از حضار: بله قرأتها علیه، حدّثکم ابوالفضل عبدالله

آیت الله مددی: ببینید این برای نجاشی است، دقت کردید؟

یکی از حضار: قرأت علی الحسين بن عبدالله حدّثکم احمد بن محمد بن زراری عن جده

آیت الله مددی: دقت کردید؟

یکی از حضار: همین طریق هم هست

آیت الله مددی: اگر قرأت این نکته‌ی من چند دفعه این نکته را توضیح دادم اگر قرأت بگوید آن وقت بعد حدثکم می‌گوید

یکی از حضار: یعنی من خواندم استاد به شیخ استماع می‌فرمود

آیت الله مددی: ها آن وقت این می‌خواهد بگوید به استادش که به شما این شخص برای شما تحدیث کرد دقت کردید؟ نمی‌گوید او حدثی دیگر، من خواندم، من خواندم که حدثی نیست که، این ها، این شیخ نجاشی در اینجا دقیق تر است شاید هفت، هشت مورد من در نجاشی دیدم حدثکم دارد وقتی می‌گوید قرأت علیه می‌گوید حدثکم نمی‌گوید حدثا، اینجا می‌گوید قرأت علی ابی غالب حدثا این نمی‌شود، می‌شود به این معنا که در کتاب ابو غالب اینطور بود کتاب ابو غالب را خواندم اها در کتاب ابو غالب بود حدثا، این می‌شود توضیح کرد، ها دقت کردید؟ اما متعارفشان حدثکم است، چون می‌گوید قرأت علیه، باید بگوید حدثکم اینکه متعارفی که نجاشی دارد نمی‌دانم حالا چند مورد است کلا چون ایشان دو موردش را خوانده اما به نظرم بیشتر است من در نجاشی بیشتر دیدم که وقتی قرأت می‌گوید حدثکم می‌گوید دقت کردید؟ و فنی تر هم هست انصافا نکته‌ی فنی در اینجا مراعات شده است، بفرمایید. بعد از ابو غالب؟

یکی از حضار: قال: حدثنا جدّ أبي و عمّ أبي محمد و علي إنا سليمان، عن علي بن الحسن بن فضال. و أخبرنا أبو الحسين ابن أبي

جید القمی

آیت الله مددی: اینها باز طریق دیگر اینها بغدادی هستند برگشتند به

یکی از حضار: خود ایشان هم می‌گوید که

آیت الله مددی: بله برگشتند به ابن فضال پسر که در بغداد بوده نسخه‌ی ابن فضال پسر، تصادفا نسخه‌ی ابن فضال پسر خیلی در قم

جا نیافتاده بوده است اینها در فهرس نسخه‌ی ابن فضال پسر خیلی نقش دارد اما در روایت قمی‌ها خیلی نقش ندارد بفرمایید.

یکی از حضار: بله عرض شود که و أخبرنا ابوالحسین ابن ابی جید القمی

آیت الله مددی: ابن ابی جید القمی، از اینجا می‌رود به قم، هنا به بغداد بود، به کوفه بود، آنهایی که رفت به ابن فضال پسر به کوفه

بود از بغداد به کوفه، از اینجا بغداد به قم، عرض کردیم یکی از حلقه‌های مهم بین قم و کوفه، بین قم و بغداد همین جناب ابن ابی جید

است که عاداتا جاهایی دارد غیرش، عاداتا از فهرست مرحوم ابن الولید است این یکی از راه‌های ارتباط بین بغداد و قم است، از بغداد به

قم می آید حالا این نسخه‌ی قمی بفرمایید ، ابن ابی جید ، یعنی اینها این نسخ را می آوردند اشاره‌ی به انواع و تعددی نسخی که موجود بوده است ، بفرمایید .

یکی از حضار: و أخبرنا أبو الحسين ابن أبي جید القمي و الحسين بن عبید الله جميعا، عن أحمد بن محمد بن یحیی العطار، آیت الله مددی: اینجا ببینید اینجا از احمد بن محمد بن یحیی از ابن الولید نیست عرض کردم ما چند مورد در شیخ داریم شاید در نجاشی یک مورد باشد و نفهمیدیم هنوز اما در شیخ بیشتر است شاید هفت ، هشت ، ده مورد من در شیخ دیدم ، ابن ابی جید عرض کردم از ابن الولید گاهی هم از غیرش از این نقل می کنند ، احمد پسر محمد بن یحیی این هم برای ما کمی ابهام دارد هنوز دقت کردید ، این هم برای ما کمی ابهام دارد ابن ابی جید خیلی کم است در نجاشی شاید یک مورد باشد ، که یک مورد من اگر دیدم ابن ابی جید از احمد پسر محمد بن یحیی نقل می کند حالا در ذهنم یک مورد می آید شاید آن همان یک مورد هم اشتباه باشد ، اما شیخ دارد که این یک مقداری چون ابن ابی جید معروف است به ابن الولید خیلی واضح است کاملا واضح است که معروف است ، از طرف دیگر ابن غضائری پدر هم از احمد پسر محمد بن یحیی نقل می کند این هم خیلی بعید است ، خیلی بعید به ذهن می آید ، فوق العاده بعید به ذهن می آید . چون احمد را نداریم به بغداد رفته یا ابن ولید رفته به ، ابن غضائری رفته باشد به قم .

بله احمد بن محمد دیگری داریم که آن پسر ابن الولید است آن هم احمد بن محمد است هر دویشان احمد بن محمد است یکی شان پسر ابن الولید است یکی شان پسر محمد بن یحیی عطار است این احتمالا احمد بن محمد پسر ابن الولید باشد ، این استاد مفید است این بغداد آمده است ، اما احمد پسر محمد بن یحیی این استاد صدوق است و ابن غضائری در رتبه‌ی مفید است بعید است از احمد بن محمد این سند در فهرست شیخ هست ها منحصر به اینجا نیست ، این هم برای ما یکی از جاهایی است که معضل است برای ما که اصلا این را چطوری حلش بکنیم معضلی شده برای من حلش ، چون هم روایت ابن ابی جید از آن احمد بعید به ذهن می رسد چون ایشان شاگرد ابن الولید است اصلا و هم روایت ابن غضائری از آن احمد بعید به ذهن می رسد ، شاید احمد بن محمد بوده که مراد پسر ابن الولید است دقت کردید ؟ آن پسر ابن الولید است این کسی است که مرحوم مفید از او نقل می کند ، احمد پسر محمد بن یحیی را صدوق از او نقل می کند رتبه‌ی صدوق و مفید رتبه‌ی استاد و شاگرد است بعید است ابن غضائری بیاید از احمد پسر محمد بن یحیی نقل بکند .

یکی از حضار: چرا در سیاری طریق همین است ،

آیت الله مددی: چه کسی ؟

یکی از حضار: ابن غضائری عن ، أخبرنا الحسين بن عبید الله قال حدثنا احمد بن محمد بن یحیی در نجاشی

آیت الله مددی: می‌گویم شاید همین یک مورد باشد

یکی از حضار: و الا سایر موارد همه‌اش همان ابا عبدالله قزوینی و محمد بن علی القزوینی که

آیت الله مددی: بله شاید حالا یک مورد، گفتم یک مورد در نجاشی باشد

یکی از حضار: چرا باز هم یکی دیگر الان در کتاب

آیت الله مددی: من در ذهنم یک مورد بود

یکی از حضار: در کتاب محمد بن عیسی هم می‌گوید خبرنا بکتابه الشیخ ابو عبد الله حسین بن عبید الله و ابو عبد الله بن شاذان قالا

حدثنا احمد بن محمد بن یحیی

آیت الله مددی: در نجاشی گفتم کم است، شیخ بیشتر دارد.

یکی از حضار: بعد احمد بن حسین بن عمر می‌گوید له کتاب لا يعرف منها الا النوادر قرأت انا و احمد بن الحسين علی ابیه عن

احمد بن محمد بن یحیی

آیت الله مددی: بعید می‌دانم باید احمد بن محمد بن ولید باشد، فکر می‌کنم.

یکی از حضار: اما بیشتر نقل هایش همه‌اش از چیز است ابن شاذان است تک و توک هم دارد مثلاً احمد بن علی بن نوح صیرافی

آیت الله مددی: بله آن ممکن است

یکی از حضار: اما همه‌اش عن، همان ابو عبدالله قزوینی ابن شاذان

آیت الله مددی: ابن شاذان است.

علی ای حال یک شبهه‌ای برای ما هست اما در فهرست شیخ بیشتر است شاید هفت، هشت، ده مورد است که این آقا از آن آقا نقل

می‌کند به نظر من یک کمی شبهه دارد به هر حال به ذهن من حالا جلالت شأن

یکی از حضار: یکی دیگر هم الان در همین نجاشی پیدا شد می‌گوید که در جمیل دراج گفته که وله کتاب اشترک با مرازم بن حکیم

اخبارنا حسین بن عبید الله قال حدثنا احمد بن محمد بن یحیی

آیت الله مددی: به نظرم این سند خرابی دارد

یکی از حضار: حفص بن علاء هم ببخشید همین را می‌گوید له کتاب یرویه عنه محمد بن ابی عمیر اخبارنا حسین بن عبید الله قال

حدثنا

آیت الله مددی: حالا به هر حال این را هنوز نشناختیم گفته شده اما هنوز خود من احراز واقعی اش برای من مشکل است.

یکی از حضار: عدة من اصحابنا هم در مورد کتاب خلف بن حماد دارد، عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن يحيى

آیت الله مددی: همه‌ی اینها به یک واسطه می‌خورد به چیز می‌خورد به احمد پسر ابن الولید نمی‌خورد به احمد

یکی از حضار: عیان بن سلط قال ابو عبد الله حسين بن عبيد الله اخبرنا احمد بن محمد بن يحيى

آیت الله مددی: داریم، پس این هفت، هشت، ده مورد در نجاشی هم هست من خیال کردم

یکی از حضار: زکریا بن محمد له کتاب منتهی الحدیث اخبرنا الحسين وغيره عن احمد بن محمد بن يحيى

آیت الله مددی: به نظر من

یکی از حضار: عدة هم ببخشید دارد، عدة هم در سهل بن یسع

آیت الله مددی: پس زیادتر از یک مورد است موارد ده، تا اینجا که ده، دوازده تا شد حرف سین که حدود ده، دوازده تا هم شده است.

یکی از حضار: بعد تازه ادعا را هم حساب کنید که فرمودید حسین هست.

آیت الله مددی: بله علی ای حال با تمام این حرف‌ها هنوز آن شبهه در ذهن من قوی است که احمد پسر محمد بن یحیی رابطه‌اش

هنوز با حسین بن عبید الله، مگر اینکه به نحو نامه به ایشان مثلا مراسله کرده نامه نوشته است آن هم نمی‌دانم اصلا طبقه‌اش به او بخورد

یا نخورد چون او استاد صدوق است حالا شاید مثلا ایشان هم درکش کرده است به نحو نامه و شواهد خارجی واضحی که به بغداد آمده

یا ایشان به قم آمده الان در اختیار نداریم، داریم عرض کردم چند مورد داریم اما از سابق همین طور در ذهنم خلجان داشت که این یک

کمی خالی از شبهه نباشد این طریق خالی از شبهه نباشد، بفرمایید، شیخ همان ابان را بخوانید.

یکی از حضار: بله، عن أحمد بن محمد بن يحيى العطار، قال: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِي،

آیت الله مددی: ایشان از حمیری نقل می‌کند راست است؛

یکی از حضار: قال: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عِيسَى،

آیت الله مددی: درست است؛

یکی از حضار: قال: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ أَبَانَ.

آیت الله مددی: این درست است، اصلاً نسخه‌ی بسیار صحیح و خوب کتاب ابی نصر بزنطی است احمد بن محمد، همان نسخه‌ای است که احمد اشعری نقل می‌کند چند تا نسخه از او در قم هست یکی نسخه‌ی سهل بن زیاد یکی نسخه‌ی احمد اشعری این بهترین نسخه‌ی کتاب بزنطی در قم است، در قم ایشان است، درست است

یکی از حضار: روی آن تعلیقه می‌زنند می‌فرمایند: هذه رواية الكوفيين، و هي رواية ابن فضال، و من شارکه فیها من القمیین، و هناك نسخة أخرى أنقص منها رواها القمیون. أخبرنا بها الحسين بن عبيد الله، عن أحمد بن جعفر بن سفيان، قال:

آیت الله مددی: احمد بن جعفر بن سفيان بزوفری خودش چیز ندارد ابو عبد الله حسين بن علی بن سفيان آن جزو مشایخ مشهور است اما ایشان هم هست، این احمد بن جعفر که احتمالاً پسر برادر اوست یا ایشان با از احمد بن ادریس نقل می‌کند.

یکی از حضار: بله، حدَّثنا أحمد بن إدریس،

آیت الله مددی: احمد بن جعفر بن سفيان آنچه که ما ظاهراً احمد بن ادریس در سفری که آمده برود برای حج برای این آقا نقل کرده است این رابط بین بغداد و قم است چون ما در بحث فهرستی یکی از کارهایی که خیلی می‌خواهیم آشنا بشویم ربط بین دو تا شهر که این نسخه چطور از این شهر به آن شهر رسیده است، رابط بین قم و بین بغداد یکی همین احمد بن جعفر است و ایشان از ابن ادریس به نظرم در یک جا دارد عند مروره ببغداد سنه‌ی به نظرم ۳۰۸ مثلاً یک چنین چیزی، ۲۰۸، ۳۰۸ در یک جایی دارد حالا در کجاست در کتاب امالی شیخ طوسی است کجاست دارد اسم احمد بن جعفر بن سفيان عن احمد بن ادریس اخبرنی عند مروره ببغداد الى الحج الى کذا سال به نظرم ۳۰۸، ۳۰۵ یک چنین چیزی ایشان در آنجا به ایشان خبر داده و ایشان از او نقل می‌کند این را ما داریم چرا، این را ما داریم احمد بن جعفر بن سفيان بزوفری بله، یک جایی دارد که تصریح می‌کند عند مروره سالش را هم می‌گوید سال ۳۰۸ یا نمی‌دانم چند است یک مورد من دیدم حالا یک مورد من دیدم شاید بیشتر هم باشد.

یکی از حضار: قال: حدَّثنا محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن جعفر بن بشير، عن أبان.

آیت الله مددی: این نسخه هم نسخه‌ای است که به اصطلاح از راه قم آمده اما برمی‌گردد زود به کوفه دیگر جعفر بن بشیر برای کوفه است محمد بن حسین هم برای کوفه است، جعفر بن بشیر هم برای کوفه است، احمد بن ادریس نقل می‌کند این نسخه به لحاظ صحت خیلی صحیح است فقط همان احمد بن جعفر آن هم بد نیست از مشایخ است نسخه‌ای است که مرحوم جعفر بن بشیر نقل می‌کند از کتاب ابان، انقص بودن هم دلیل بر اشکال نیست این را حالا یک وقت دیگر توضیح می‌دهیم باشد، بفرمایید، دیگر بفرمایید.

البته عادتاً شیخ این قدر نقل نمی‌کند این خلاف قاعده‌ی شیخ است اما خیلی انصافاً در اینجا مرتب و

یکی از حضار: یکی از موارد استثنایی است که اینقدر

آیت الله مددی: ها موارد استثنایی است که اینقدر زیاد نقل کرده است و توصیف هم کرده است این نسخه را می گوید رواه الکوفیون نسخه به قم می آید از قم می آید به کوفه ، از بغداد نمی رود به کوفه این نسخه ، آن نسخه های دیگر از بغداد می رود کوفه توسط ابن فضال پسر و ابن عقده می رود به کوفه ، این نسخه نه آمده به قم توسط احمد بن ادریس از قم باز رفته به کوفه یعنی از بغداد آمده به قم از قم رفته به کوفه فرقی با آن ، لذا این هم یکی دیگر از مشکلات که ما این را ما قمی بدانیم یا بغدادی بدانیم چون هر دو جهت را دارد ، بفرمایید .

یکی از حضار: بله قال حدثنا محمد بن الحسين بن ابي الخطاب عن جعفر بن بشير عن ابان .

آیت الله مددی: بله ، خوب است نه این طریق خوب است ، احمد بن جعفر

یکی از حضار: طریق آخر هم و أخبرنا أبو الحسين ابن أبي جيد، عن محمد بن الحسن بن الوليد،

آیت الله مددی: این ابن الولید است این ابن ابی جید از ابن الولید درست است توسط ابن ابی جید خودش قمی است ، خودش قمی است آمده بغداد میراث قم را به بغداد آورده است ، میراث فهرستی قم را به بغداد آورده است این درست است کاملاً صحیح است مشکل ندارد ، کاملاً یعنی به اعتبار اینکه اصحاب فهارس ما برایش اعتماد کردند و توضیحاتی اجمالاً عرض کردم بفرمایید .

یکی از حضار: بله عن المعلى بن محمد البصري، عن محمد بن جمهور العمي ، عن جعفر بن بشير عن أبان بن عثمان.

آیت الله مددی: این طریق به حساب مصدر متوسطش بصره است اهل بصره است ، معلى خودش یکی از طرق ارتباط قمی ها به بصره است معلى بن محمد البصری تضعیفی هم شده است قیل کذا این از آن مواردی است که آقای خوئی به خاطر کامل الزیارات قبولش داشتند بعد برگشتند ، وقتی از کامل الزیارات برگشتند از توثیق این آقا دست برداشتند ، یکی از مواردی که دائماً سوال می کنند اختلاف مبنا این معلى بن محمد است ، معلى بن محمد غالباً واسطه است بین کلینی و حسین بن محمد ، بین حسین بن محمد واسطه است یعنی از طریق حسین بن محمد اشعری عن معلى برمی گردد به محمد بن جمهور و اینها در بصره این بعدی هایش بصری هستند حالا معلى بن محمد بصری رابط بوده برای میراث بصره به قم ، یکی از روابط میراث بصره به قم است معلى و توثیق درستی هم ندارد تضعیف مائی هم شده است ، بفرمایید .

یکی از حضار: و له أصل. أخبرنا به عدة من أصحابنا، عن أبي المفضل محمد بن

آیت الله مددی: خوب حالا اینجا چون ابو المفضل ضعیف است ممکن است ابوالمفضل اشتباه کرده است یکی از کتاب هایش را اصل تصور کرده است آن وقت این کتاب ابو المفضل در اختیار مرحوم نجاشی بوده اعتماد رویش نکرده است، نجاشی حسابش نکرده، قبولش نکرده است، بفرمایید.

یکی از حضار: عن أبي جعفر محمد بن جعفر بن بطة، عن أحمد بن محمد بن عيسى،

آیت الله مددی: ابو المفضل چون به قم آمده اصولا ابو المفضل در سنی ها هم خیلی عنوان دارد چند دفعه عرض کردم یکی از کارهای خیلی مهم ایشان رحله‌ی در حدیث زیاد دارد علمای شیعه غالبا نداشتند ایشان از علمای شیعه است که رحله داشته و علمای سنی را هم زیاد دیده است نمی دانم شام رفته، مصر رفته، یمن رفته، خیلی خیلی قم آمده یکی از حلقه‌های ربط و نجاشی ایشان را دیده البته ۱۳ ساله بوده نجاشی وقتی ایشان را دیده وقت فوتش و می گوید از او شنیدم الا انی رأیت اصحابنا یضعفونه. بله دیدم تضعیفش کردند از او تجنبته، خود اهل سنت هم تضعیفش کردند در تاریخ بغداد در اهل سنت بیشتر عنوان دارد تا بین ما نجاشی ایشان را ملاقات کرده است بفرمایید.

یکی از حضار: عن احمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن أحمد، عن أبان.

آیت الله مددی: عن ابن بطة، ابن بطة از مشایخ قم است که از احمد اشعری، اما ابن بطة غالبا از احمد برقی نقل می کند، از احمد اشعری هم ممکن است نقل کند، بفرمایید.

یکی از حضار: عن احمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن احمد عن أبان، بعد

آیت الله مددی: عن حسن بن احمد؟

یکی از حضار: بله این حسن است در نسخه‌ی بدل هم محسن بن احمد است

آیت الله مددی: همان محسن بن احمد یک اسم دیگری دارد اسم قشنگی دارد جفری، جیفری، یک چنین اسمی دارد محسن بن احمد کذا به نظر من می رسد

یکی از حضار: محسن بن احمد بن قیسی ما در روایات ابان داریم

آیت الله مددی: همین می گویم ما یک چیزی داریم یا قیسی یا یک چیز دیگری

یکی از حضار: راوی اش هم احمد بن محمد بن عیسی است

آیت الله مددی: بله داریم این را ما داریم چرا، محسن بن احمد در این طبقه داریم بله

یکی از حضار: بله ، بعد انگار برمی گردند به کتاب دوباره به همان مصنف می گویند : و بهذا الإسناد عن أحمد بن محمد بن عیسی ، عن ابن أبي نصر، عن أبان کتاب المغازی.

آیت الله مددی : همان طریق به حساب ، این طریق ها عرض کردم ما بین قم و عراق است تا احمدش قمی است بعد بزنتی عراقی می شود بعدش ؟

یکی از حضار: تمام شد .

آیت الله مددی : معلوم شد ابن ابی عمیر راوی کتابش نیست حالا خلاصه ی بحث بعد از تمام این طرق فراوان بزنتی هست اما مثلاً ابن ابی عمیر نیست چون یک احتمال در این حدیث که دیشب ما خواندیم این بود که این از کتاب ابن ابی عمیر باشد شرحی داده شد آن وقت چون ابن ابی عمیر از ابان نقل می کند خوب یک احتمال می ماند که از کتاب ابان باشد دقت می کنید می خواستم امشب این را بگویم یعنی ما دیشب فقط روی بحث مصدر متوسط ، شاید احمد بن هلال توسط ابن ابی عمیر از کتاب ابان نقل کرده است ، شاید مثلاً اگر نقل باشد اولاً معلوم نیست از کتاب باشد چون در فهرس نیامده است اما ممکن است به هر حال از او نقل کرده باشد لکن همان مشکلی که عرض کردیم برقرار است یعنی این مطلب را اولاً غیر از ابان کسی نقل نکرده است از ابان هم فقط منحصر ابن ابی عمیر با اینکه ما مثل بزنتی و اینها داریم نقل کردند و چون احمد بن هلال انفراد دارد یا منفرداً از کتاب ابان نقل کرده یا منفرداً از کتاب ابن ابی عمیر به ذهن ما منفرداً از کتاب ابن ابی عمیر نقل کرده است همین بحث هایی که دیشب عرض کردیم .

آن وقت تاریخی که دیشب عرض کردیم اگر بخواهیم تکمیلش کنیم این طوری است این روایت در نیمه ی قرن دوم به امام صادق ، توسط ابان و ابو بصیر به امام صادق نسبت داده شده است . خوب شاید شما بگویید شما گفتید در قرن سومش اشکال کردید دیگر اصلاً معلوم نیست که ابان نقل کرده باشد شبیه دارد دیگر ، نه می گوئیم اگر ظاهر را نگاه بکنیم ، و الا خوب ما عرض کردیم شواهد ما حاکی است که این در کتاب ابن ابی عمیر نبوده و صحبت ابان و اینها معلوم نبوده است لکن ظاهر کلام را اگر نگاه بکنیم نگاه به ظاهر کلام .

یک شوخی معروف هست که یکی از این قصاصین ، قصاصین خوب قصه پردازی می کردند حکایات عجیب و غریب ، گفت آن گرگی که حضرت یوسف را خورد اسمش دردائیل بود ، یک کسی از پایین گفت آقا در قرآن گفت گرگ نخورد دروغ بود آن مطلب گرگ نخورده بود گفت خوب آن گرگی که نخورده بود اسمش دردائیل بود .

.....
حالا اینجا هم من که می گویم ابان نیست باز می گوید نمی خواهیم بگویم ابان هست ، گفت گرگی که نخورده بود حالا قصه ما که الان که کتاب ابن ابی عمیر را دیدیم ، لکن به حسب این اسمائی که الان هست در نیمه ی قرن دوم آمده جای دیگری هم نیامده و در نیمه ی قرن سوم احمد بن هلال منفردا از کتاب ابن ابی عمیر نقل کرده است کسی دیگری هم از این کتاب نقل نکرده است .

و بعد اواخر قرن سوم این کتاب رفته به قم ، قمی ها هم از این حدیث را اصلا نقل نکردند در قرن چهارم که قرن تنقیح احادیث است مثل کافی و فقیه و اینها نقل نکردند در قرن پنجم هم مرحوم شیخ طوسی نقل نکرده است در قرن ششم هم شیخ ابن ادریس آورده آن هم به عنوان نقل روایت و الا خود ایشان به خبر صحیح هم عمل نمی کنند ، این تاریخ اجمالی این روایت ، این تاریخ اجمالی به حسب مبانی فهرستی است نه به حسب مبانی رجالی ، به حسب مبانی رجالی همان بحث هایی که دارند ، البته این بحث هست که حالا چون مبانی رجالی هم دارد مبانی رجالی ، اگر یک وقت دیگر فرصت شد من وارد بحثش بشوم الان نمی خواهم اینجا وارد بحثش بشوم خوب این

یکی از حضار: یک حدیثی که کلمه ی هدایا فرمودید دارد

آیت الله مددی: یک حدیث داریم الهدایا برای همین

یکی از حضار: من نگاه کردم اصلا یک چیزی هم نقلی که کردند همین است ،

یکی از حضار: یا هدیه ؟

آیت الله مددی: الهدایا من دیدم

یکی از حضار: در قاموس الشیعة

آیت الله مددی: الهدایا من یادم است ، در ذهنم این کلمه ی الهدایا را در حدیث دیدم یعنی کلمه ی الهدایا هست نه هدیه ، کلمه ی هدایا یا الهدایا در روایت هست ، در همان مستطرفات سرائر همین حدیث هدایاست ، چون ببینید ما در باب مثل جایزه اگر روایت دارد الجایزه اذا کان لها خطر ، این مطلق هدیه را نمی گیرد خطیر را می گیرد ، این هدیه ای که ایشان خوانند مولاه المنقطع الیه ، که حالا مولاه در اینجا به معنای باید مالک باشد اگر مالک باشد که معلوم نیست حالا بحث معروفی است که عبد مالک می شود یا نه ، مالک به عبد خودش هدیه بدهد این خیلی حرف عجیب و غریبی است است اصلا دادن المنقطع الیه اصلا مولاه المنقطع الیه یعنی چه نمی فهمیم ما اصلا این هم مرادش آیا همان جایزه بوده است ؟

اما به نظر من یک حدیثی بود درش هدایا بود ، این دیگر ، این چون قید دارد مولاه ، این ممکن است به درد هدیه نخورد کلا ، اما هدیه حدیثی داریم در مورد هدیه اصلا در مورد خود هدیه عنوان هدیه حالا می خواهید کتاب آقای خوئی را بیاورید ، خمس آقای خوئی را

بیاورید ، علی ای در ذهن من الهدایا هست دیشب می خواستم بگویم وقتی که ایشان خواند غیر از این روایت به نظرم یک روایتی هست که تصریح به هدایا دارد که با همین طریق است به همین طریقی که دیشب خواند .

یکی از حضار: در رسائل هم باب وجوب الخمس فی ما ... السنة که همین بحث هدیه را هم درش آوردند همین یک روایت است

برای هدیه

آیت الله مددی: نه جایزه را هم که می گیرد ، جایزه

یکی از حضار: نه روایت هدیه را عرض می کنم .

آیت الله مددی: علی ای حال من در ذهنم هست که یک روایتی راجع به عنوان هدایا بوده حالا شاید در متن فقهی بوده من اشتباه کردم به متن روایت ، این روایت یک مبهم ابهام لفظی هم ، متنی هم دارد یهدی مولاه المنقطع الیه ، اگر مولی مالک باشد به عبد خودش هدیه داد به معنای خمس اصلا خیلی بعید است اصلا ما به قول معروف عبدا مملوکا لا یقدر علی شیء تفسیرش این است که مالک نیست شاید لعل مشهور بین علما این بوده که مالک نیست جیب به جیب کرده است در حقیقت و این در جیب به جیب کردن کسی قائل به هدیه نیست علی ای از این جیش به آن جیش بکند کسی قائل به هدیه نیست ، اما به ذهن من هست که روایتی هست که روی عنوان هدیه مطلق است ، روی خود عنوان هدیه که آقای خوئی هم به آن یعنی آقایانی که قائل شدند به آن تمسک کردند .

حالا خمس آقای خوئی را بیاورید شاید نوشته باشد ، این نکته اش هم ، بله آقا ؟

یکی از حضار: در کتاب خمس را آوردم

آیت الله مددی: این مطلب هم دیشب می خواستم توضیح بدهم که حالا امشب گفتیم تکمیلش کنیم .

بحثی که داشتیم ما این بود که تشخیص این مصدر متوسط و غیر متوسط مشکل دارد ، این مشکل یک جا نیست یکی از نقاط مشکل قسمت هایی است که توقیعات است اینها را ما مصدر متوسط بدانیم یا ندانیم چرا مثلا محمد بن عیسی عبیدی ، ایشان ظاهرا ایران آمده در شهرها گشته کسانی که استفتائات از امام هادی داشتند جمع آوری کرده ، استفتائات را افراد نوشتند این نوشتارها را از مصدر اول حساب بکنیم این جمعی که ایشان ، ایشان جمع کرده استفتائات را که اسمش شده توقیعات این را مصدر ثانی یا مصدر متوسط حساب بکنیم یا نه ، بگویم وقت کتاب شد دست ایشان کتاب شد این مصدر اول این است ، اصلا آن استفتائات مصدر نیست ، دقت کردید ؟ استفتائات سوالاتی بوده که افراد کردند ، یکی از نقاط ابهام این است که ما این را کتاب محمد بن عیسی را مصدر اول حساب بکنیم ، دقت می کنید؟

بله یک توقیعاتی دارد مرحوم صفار به حضرت عسکری نه هادی ، حضرت عسکری جمع کرده که عرض کردیم این توقیعات هم در مقدار بیشترش در فقیه آمده است مقدار بیشترش ، مقداری هم در کافی آمده در تهذیب هم آمده است اما در فقیه بیشتر آمده است توقیعات صفار الی ابی محمد این ظاهرا دیگر مصدر اول است چون خودش هم نوشته خودش هم جمع کرده است دیگر ظاهرا مصدر اول است خودش استفتائات را به حضرت نوشته خودش اینها را منظم کرده است مرتب کرده است این را مصدر اول حساب می کنیم چون دیگر شبهه ندارد که مصدر دوم باشد ، اگر صدوق نقل می کند از مصدر اول نقل کرده است .

اما وقتی که مثل محمد بن عیسی چند نفر هستند اینها توقیعات به امام هادی دارند شنیدم در این کتابی که آقای میانجی رحمه الله علیه نوشتند در جلد ۶ مکاتیب الائمة توقیعات حضرت هادی را جمع آوری کردند چون من آن کتاب را ندیدم الان نمی توانم چیزی بگویم اما چند دفعه ظاهرا گفتم تا حالا توقیعات امام هادی و روایات امام هادی جمع بشود یک باب عجیبی است یعنی یک ثروت علمی عجیبی است خیلی عجیب است ، خیلی .

از حضرت هادی زیارت هم زیاد نقل شده است به این مقدار و به این مثلا از حضرت جواد یا حضرت عسکری نقل نشده است و خیلی زیارت هایش کلیدی است یعنی خیلی زیارت های عجیبی دارد یکی اش همین توقیع ناحیه ی ، زیارت ناحیه ی مقدسه این از امام هادی است امام مهدی نیست ، یکی همین زیارت جامعه ، یکی همین زیارت امیرالمؤمنین در روز غدیر این خیلی عجیب است ، تقریبا ما در هیچ زیارتی مثل این نداریم هیچ زیارتی ، حدود ۶۰ ، من سابقا می گفتم ۱۰۰ تا یک چند روزی که شد ما موفق شدیم تقریبا هر روز یا یک روز در میان می خواندم غیر از غیر اصلا اینقدر خوشم آمده بود که اصلا زیارت امیرالمؤمنین را با همین غدیر ایشان غیر از غدیر هم بود حالا فرض کنید در ماه شعبان بود ، ما می خواندیم ۶۰ - ۷۰ تا آیه آورده در زیارت ما در هیچ زیارتی این قدر آیات قرآنی نداریم ، خیلی عجیب است این هم یکی از عجایب این زیارت این مقدار آیات قرآنی را حضرت هادی در مخاطبه با امیرالمؤمنین سلام الله علیه آوردند و طولانی هم هست انصافا .

یک زیارتی برای امام حسین دارند که به نظرم کلینی آورده یا مرحوم شیخ آورده است ، علی ای حال انصافا مجموعه ی روایات امام هادی را اگر توفیقی بشود جمع بشود مثل همین مجموعه ی ادعیه و تحلیل بشود و تحقیق بشود خیلی مجموعه ی لطیفی است و این مجموعه را از همان اوائل افرادی جمع کردند لکن به نحو مثلا آن کسی که این توقیعات را آورده است ، مثلا یکی از کسانی که این توقیعات را آورده است عبدالله بن جعفر حمیری است ، یکی از کسانی که آورده محمد بن عیسی عیبدی است ، یک کتابی هست بیاورید شما در کتاب مستطرفات سرائر دقت بکنید مسائل الرجال و مکاتباتهم الی ابی الحسن الثالث ، اسمش مسائل الرجال بیاورید در مستطرفات سرائر

ایشان در حقیقت این کتابی را که ایشان از آن نقل کرده مرحوم ابن ادریس آقایان هم بحث کردند که این حجت هست نیست ، ما عرض کردیم توجه نکردند به این نکات ، این دو سه تا مجموعه‌ی توقیعات امام هادی است آن وقت دسته بندی توقیعاتش هم بر اساس آن کسی است که اینها را جمع کرده است نه بر حسب موضوعات مثلاً روایت طهارت یک جا ، روایت صلاة یک جا این جوریه ، آن چیست عبارتش را بخوانید

یکی از حضار: عبارتی که در این چاپی که ... شده از صفحه‌ی ۱۲۱ (قال) : ومن ذلك ما استطرفناه من كتاب مسائل الرجال

آیت الله مددی : مسائل الرجال همین استفتائات یعنی

یکی از حضار: ومکاتباتهم إلی مولانا أبي الحسن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام والأجوبة .

آیت الله مددی : ها اینطور می گوید مسائل الرجال و اجوبتها اینطوری است عنوان ، روایت ابن عیاش نیست ؟

یکی از حضار: من ذلك رواية أبي عبد الله أحمد بن محمد بن محمد بن عبيد الله بن الحسن ابن عیاش الجوهری

آیت الله مددی : این ابن عیاش که نجاشی می گوید از او شنیدم حدیث و ترک کردم این از کسانی است که این کاری که ما الان می گویم ایشان آن وقت انجام داده است ، ایشان متوفای ۴۰۱ است ، عرض کردیم از مشایخی است که فقط نجاشی درک کرده است و مرحوم شیخ طوسی درک نکردند ، چون شیخ طوسی ۴۰۸ آمده بغداد ، شیخ طوسی ابن عیاش را درک نکرده است دقت فرمودید ؟ لکن نجاشی درک کرده و تضعیف کرده است .

یکی از کارهایی که این ، توجه نکردند شرح این کتاب این است ، ابن عیاش در اواخر قرن چهارم در بغداد می آید مجموعه‌ای از این استفتائات را جمع آوری می کند ، دقت شد چه شد ؟ نجاشی هم روی ایشان نظر دارد و این ، بعضی هایش جای دیگر بعد بخوانید عبارت ایشان را

یکی از حضار: ورواية عبد الله بن جعفر الحميري .

آیت الله مددی : من به نظرم باید این طور باشد ابن عیاش آن وقت در کتاب ابن عیاش این بود و او نبوده در کتاب ابن عیاش : یک روایت عبد الله بن جعفر الحمیری سولاتی که عبد الله بن جعفر حمیری ، لذا دقت کنید می گوید روایت ، روایت به مصدر دوم بیشتر می خورد ، یعنی عبد الله بن جعفر حمیری جمع کرده است و الا عبد الله بن جعفر حمیری به زمان امام هادی سولات ندارد ، بخوانید .

یکی از حضار: نجاشی برایش نقل کرده کتاب مسائل الرجال و مکاتباتهم ابی الحسن الثالث

آیت الله مددی: بله می دانم ایشان جمع کرده است، ایشان می گوید ابن عیاش از نسخه‌ی مرحوم حمیری، بعد بخوانید چه نوشته است.

یکی از حضار: من مسائل ایوب بن نوح

آیت الله مددی: و مسائل ایوب بن نوح بله،

یکی از حضار: اینجا الان این جوری چاپ شده است: من مسائل ایوب بن نوح شماره را هم ایشان از اینجا زدند، ۱. من مسائل

ایوب بن نوح و کتب إلى بعض أصحابنا: عاتب فلاناً وقل له

آیت الله مددی: بعد؟

یکی از حضار: ۲. ایوب بن نوح قال: کتب معي بشر بن بشار ۳. أحمد بن محمد قال: حدّثني عدّة من أصحابنا قال ۴. ومن مسائل

علي بن الريان وكتب إليه عليه السلام

آیت الله مددی: ببینید این مسائل علی بن ریان را جداگانه جمع کرده است، مسائل عبد الله بن، دقت کردید؟ ایشان عده‌ای از این

مسائل را اینکه می گوید روایة عبد الله بن جعفر معلوم می شود که عبد الله بن جعفر عده‌ای، این عبارت مرحوم ابن ادریس چون خیلی

آشنا نبوده مثل اینکه آن مجموعه‌ای که در بغداد به اسم ابن عیاش بوده اول مجموعه یک کمی اسم‌های یک چنین روشن نبوده و خود

ایشان اهل تشخیص طبقات نبوده است، به هر حال مجموعه‌ای از استفتائات را مرحوم ابن عیاش در بغداد جمع کرده است.

این کاری را که من الان دارم به شما می گویم این کار مثلاً ۱۰۰۰ سال قبل شده است، ۱۰۰۰ سال بیشتر ۱۰۴۰ سال قبل این کار قبلاً

در بغداد شده است مرحوم، و این کار الان کار خوبی است شنیدم آن آقا هم جمع کرده است اینها اگر جمع بشود هم به لحاظ سندی و

هم به لحاظ تاریخی جهاتی و بعد هم خود روایاتش یکی یکی تطبیق بشود و تحقیق بشود و تنقیح بشود خیلی مجموعه‌ی بزرگی است،

خیلی فوق العاده است و مثلاً فرض کنید که همین مساله‌ی اتحاد افق، ما صریح ترین روایتی که در اتحاد افق داریم همین روایت برای

امام هادی است دیگر اصلاً.

چون صریحاً سوال می کند می گوید شب سه شنبه بود ما در بغداد ندیدیم و يقول الحساب من قبلنا، حساب یعنی منجمین، حساب

در اینجا یعنی منجمین، منجمینی که در اینجا هستند، انه یری هذه الليلة بعینها فی اندلس، درست هم هست، حضرت می فرمایند نه شما

به افق خودتان.

یکی از حضار: حساب کردند می گویند همین جور هم هست به آن تاریخ چون معلوم بوده سالش و روزش معلوم بوده است.

آیت الله مددی: غرض اینکه خیلی عجیب است این روایت خیلی عجیب است یعنی این مطلب که شیعه بنایش به این شد که اتحاد افق را قبول نکند این صراحتا به نحو صریح در روایت امام هادی آمده است یعنی روایت امام صادق حالا اهل بلد آخر شبهه داشته باشد آن که صریحا آمده که اگر شما ندیدید ولو جای دیگر ببینند به درد شما نمی خورد این روایت امام هادی است.

آن وقت چرا در این، آن آقایان چرا در این روایت شبهه کردند چون کتب الیه فلان می گویند این را نمی شناسیم، ما جواب دادیم توقیعات اصولا طبیعتش این است شناخته نمی شود، چون توقیعات را افراد عادی نوشتند. می خواهید همین را بیاورید الحساب من قبلنا را بیاورید، دقت کردید چه شد؟

یکی از موارد شبهه که آیا مصدر اول، متوسط همین توقیعاتی است که شده است، مثل کتاب توقیعات عسکری سلام الله علیه مصدر اول، توقیعات حمیری که خیلی هم مفصل است تصادفا ایشان هم مصدر اول است و آن مخصوصا توقیعات حمیری تا ۱۰۰ سال بعد ابن غضائری پسر از او نام می برد و دیده است و حتی توصیفش می کند که سوالها بوده بین سوالها جواب، مثلا سوال بوده دو سطر زیرش خالی بوده جواب بین سوالها آمده نه جواب یک جا آمده باشد زیر هر سوالی جواب هم آمده است، یعنی کاملا واضح می شود که این یک نسخه ی واحده بوده بعدی ها نقل کردند این روایت حساب را بخوانید تا من سندش را توضیح بدهم.

یکی از حضار: تهذیب تعلیق کرده گفته و عنه عن محمد بن عیسی حدیث قبلی اینطور بود محمد بن حسن الصفار عن علی بن محمد القاسانی قال کتبت الیه و انا بالمدينة

آیت الله مددی: عنه یعنی صفار از محمد بن عیسی عبید همین که عرض کردم من، گفتم محمد بن عیسی عبیدی توقیعات امام هادی را جمع آوری کرده است یکی هم ایشان است و لذا عرض کردیم در باب توقیعات آن کاتب را نگاه نکنید کسی را که نگاه می کنید وکیل نوشته مثلا علی بن مهزیار وکیل است خصوصا اگر بنویسد و کتب علیه السلام و قرأت الجواب بخطه دیگر تایید می شود یا یک عالم بزرگی مثل محمد بن عیسی نوشته است یعنی راه شناخت توقیعات آن راوی نیست، بخوانید، عن محمد بن عیسی

یکی از حضار: بله عن محمد بن عیسی قال کتب الی ابو عمرو اخبارنی یا مولای

آیت الله مددی: ببینید اسم این آقا را نمی شناسیم، درست هم هست، اینها گفتند قال کتب علی ابو عمرو، ابو عمرو را نمی شناسیم حدیث ضعیف است، حدیث ضعیف نیست نه، دقت کردید؟ ما عادات ابو عمرو، این حتی احتمال دارد ابو عمر باشد حالا واوش باشد یا نباشد، ما این شخص را کلا نمی شناسیم و این طبیعی است کاملا طبیعی است، یعنی امر کاملا طبیعی است الان حتی این علما که مجموعه ی استفتائاتشان چاپ می شود خوب اسم فرد هم هست، مثلا سوال فلانی آقای فلانی ارادتمند شما فلان، نمی شناسند، دفترشان

هم نمی شناسند ، این طبیعی است امری است کاملاً طبیعی آن را که برای ما ارزش دارد این هست که جامع کتاب ، جامع کتاب محمد بن عیسی است .

آن وقت این نسخه به نظر من مصدر اصلی این حساب می شود ، صفار هم از این نقل کرده است از این کتاب محمد بن عیسی نقل کرده است . بلکه یک نکته ای مشکلی که برای ما پیدا شد من در یک جا دیدم که محمد بن عیسی توقیعاتی از ابی الحسن الثالث دارد کتاب توقیعات بعد گشتم پیدایش نکردم نمی دانم کجا دیدم ، حالا یادم رفته است . این که توقیعات دارد استنباط خودم است یا در جایی نصاً آمده است تصریح شده باشد الان در ذهنم نیست در محمد بن عیسی ، پس یک نکته ای که الان ما باز داریم در مسائل به اصطلاح مصدر متوسط و مصدر اول این نکته است که این توقیعات را چه کار بکنیم ؟

نکته ی دیگری که باز داریم ما در اینجا که باز منشاء شبهه شده است ، گاهی اوقات ما مثلاً شخصی را داریم که نقل می کند نمی دانیم آیا و این شخص خودش ولو در رتبه ی مصدر متوسط است اما خودش در کتابش نیامده است این را هم ما مصدر متوسط بعدی حساب می کنیم مثلاً ما محمد بن عیسی اسم بردیم از یونس نقل می کند ، لکن ما می دانیم که محمد بن عیسی راوی کتب یونس است ، ما مصدر متوسط را محمد بن عیسی حساب نمی کنیم ، مصدر متوسط را یونس حساب می کنیم الان در کافی زیاد ، روشن شد ؟ این مصدر متوسط ، می خواهیم نکات مصدر متوسط را بگویم .

این اینطوری نیست که هر کسی اسمش آمد بگویم مصدر متوسط چرا ، چون مرحوم شیخ طوسی این را مرحوم شیخ طوسی در ترجمه ی به نظرم یونس دارد از ابن الولید نقل می کند قال ابن الولید کتب یونس بن عبدالرحمن التی هی بالروایات تعبیرش این است ، کلها صحیحة معتمد علیها الا ما ینفرد به محمد بن عیسی . آن وقت مراد از روایات در اینجا نسخ همین که من عرض کردم .

یعنی کتاب یونس بن عبد الرحمن که به قم آمده نسخه های متعدد دارد

یکی از حضار : قال ابو جعفر بن بابویه سمعت ابن الولید رحمه الله یقول کتب یونس بن عبدالرحمن التی ... کلها صحیحة یعتمد علیها الا ما ینفرد به محمد بن عیسی بن عبید عن یونس فلم یروه غیره فانه لا یعمد علیه و لا یفتی به .

آیت الله مددی : پس کتاب محمد بن عیسی نیست ، کتاب یونس است . روشن شد چه می خواهم بگویم ؟ مصدر متوسط ولو محمد بن عیسی کتب دارد لکن مصدر متوسط محمد ، این هم یک نکته ای که ، برای شناخت ، چون گاه گاهی اینها راوی هستند وقتی راوی بودند دیگر اینها خودشان مصدر متوسط حساب نمی شوند دقت کردید ؟ مصدر متوسط آن بعدی است یعنی مصدر متوسط ما الان یونس است اگر ما روایت کلینی دیدیم علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس نمی گوئیم مصدر متوسط ما محمد بن عیسی است ما اینجا

نسخه شناسی کتاب یونس می‌کنیم ، دقت فرمودید ؟ نسخ کتاب یونس را مقابله می‌کنیم که کتب مشهور بوده و دارای نسخ مختلف بوده است .

البته این ادعای ابن الولید که کلها معتمد علیه الان نمی‌شود قبولش کرد ما از کسانی که داریم یکی اسماعیل مرار است که توثیق نشده است البته آقای خوئی به خاطر تفسیر علی بن ابراهیم توثیقش کردند که خیلی ارزش علمی ندارد . یکی هم صالح بن چه ، سندی ، صالح بن کیست ، همین علی بن سندی و محمد بن سندی برادرشان هم ، صالح بن اسماعیل است ظاهر ، صالح بن سندی ایشان هم از راویان کتاب یونس است .

ما عده‌ای از افراد داریم که راویان کتاب یونس هستند و خیلی وضع روشنی ندارند مگر به همین عبارت ابن الولید ، ابن الولید قبول کرده است . ابن الولید در نسخه‌ای که محمد بن عیسی به قم آورده است ، عجایی دیده عجایب را به اشکال محمد بن عیسی داده است ، ما به نظرم اگر اشکالی هست روی خود شاید یونس بوده ، مبداء کار ، اشکال سر کار سر یونس بوده حالا یونس اعتقاد داشته آن بحث دیگری است .

غرضم یک نکته‌ی دیگری که داریم ما الان این است که ما گاهی اوقات یک شخص با اینکه خودش جزو مصادر متوسط است اما خودش را مصدر متوسط حساب نمی‌کنیم ، راوی بعدی را مصدر متوسط حساب می‌کنیم و از این قبیل است هنوز هم متحیر هستیم ما روایاتی داریم عن محمد بن عیسی عن یاسین ضریر عن حریر ، حالا مشکل کجاست چون حریر که دارای کتاب بوده بحث ندارد ، یاسین ضریر را هم مرحوم نجاشی برایش کتاب نسبت داده است بیاورید یاسین ضریر را له کتاب ، راوی کتابش هم محمد بن عیسی است . خود یاسین ضریر را ما نمی‌شناسیم آشنایی با ایشان نداریم ، یاسین ضریر بصری ما آشنایی با یاسین ضریر نداریم ، کتاب از آن طرف هم کتابش اسم ندارد ، این شبهه پیدا می‌شود که یاسین ضریر نوشتاری ، نسخه‌ای از کتاب حریر داشته این نوشتار را داده به محمد ، روشن شد ؟

یکی از حضار : و صنف هذا الكتاب المنسوب اليه ، عبارت نجاشی

آیت الله مددی : عبارت نجاشی .

کتابی و اما کتاب چیست روشن نیست الان چون منفردا و الان ما در روایات از یاسین بن ضریر همین محمد بن عیسی داریم ، البته بعضی‌ها دارد احمد بن محمد بن عیسی آن ظاهرا اشتباه نسخه باشد و یاسین ضریر هم تا آن جایی که من می‌دانم بیاورید فقط از حریر

نقل می‌کند به ذهن من الان این است و این حالا ما نمی‌دانیم آیا این نسخه از کتاب حریر است دست ایشان رسیده یا خود کتاب یاسین

ضریر است که مصدر متوسط حساب می‌شود و محمد بن عیسی از او نقل می‌کند به هر حال

یکی از حضار: الان یک روایت عبد الرحمن بن ابی عبد الله بصری دارد در کافی هم هست ، قال حدثني عبد الرحمن بن ابی عبد الله

یک دانه است

آیت الله مددی: این ثقه‌ی جلیل است .

یکی از حضار: در فقیه هم یک دانه است .

آیت الله مددی: از یاسین چه کسی نقل می‌کند .

یکی از حضار: در کافی تصریح شده که محمد بن عیسی ، اما در فقیه به مشیخه ارجاع شده است روی عن یاسین الضریر

آیت الله مددی: روی دارد از آن راه مشیخه ، آن وقت در

یکی از حضار: از محمد بن عیسی بن عبید دارد

آیت الله مددی: بله از طریق محمد بن عیسی نباید باشد به نظرم

یکی از حضار: در تهذیب هم دوباره ، آن ظاهرا یک روایت باید باشد چون

آیت الله مددی: روایت واحد ، آن وقت این که عبارت نجاشی را در یاسین ضریر بخوانید می‌گوید این کتاب را نوشته الکتاب

المنسوب، معلوم می‌شود کتاب به معنای مکتوب است من عرض کردم بعضی جاها یعنی مجموعه‌ی روایت نوشته آن نوشته‌ها را اجازه

داده به محمد بن عیسی و این نوشته‌ها الان آن مقداری که ما مطلع هستیم حریر است ، الان مقداری که ما مطلع هستیم .

و لذا ما با این معامله‌ی یک نسخه‌ی دیگر از کتاب حریر کردیم اصلا این معامله‌ی ما ببینید ایشان طریق نجاشی را بیاورید در یاسین

ضریر

یکی از حضار: لقی ابی الحسن موسی علیه السلام لما كان بالبصرة وروی عنه وصنف هذا الكتاب المنسوب اليه اخبرنا محمد بن

علی قال حدثنا احمد بن محمد بن یحیی قال حدثنا السلط قال حدثنا محمد بن عیسی بن عبید عن یاسین به

آیت الله مددی: و الان ما داریم روایت زیادی نسبتا معتنا به هست ، زیاد نیست که مرحوم محمد بن عیسی عن یاسین ضریر از حریر

نقل می‌کند ، در حج داریم ، در صلاة داریم در غیر و انفراد هم دارد ما به مناسبت بحث متن حدیث اگر ذهن مبارکتان باشد یک حدیث

واحد داریم که طواف باید بین مقام ابراهیم و کعبه باشد این منحصرأ طریقش همین است ، محمد بن عیسی عن یاسین عن حریر عن محمد بن مسلم .

یکی از حضار: ضریر یعنی نابینا

آیت الله مددی: بله .

منحصراً ، دقت کردید ؟ در کافی هم آمده است البته و طریقش منحصر به این است از آن طرف هم کتاب حریر ، کتاب معروف مشهور نسخ متعدد ، نسخش خیلی متعدد نیست اما نسخه‌ی حماد فوق العاده مشهور است و این نسخه‌ی حماد در قم آمده است ، حسین بن سعید از او نقل می‌کند فرض کنید ابراهیم بن هاشم از او نقل می‌کند ، گاهی فضل بن شاذان از او نقل می‌کند خیلی نسخه‌ی معروفی است نسخه‌ی حماد در بقیه‌ی نسخ کلاً نیامده است ما اینجا نمی‌دانیم معامله‌ی با کتاب حریر با آن بکنیم یا معامله‌ی با کتاب یاسین ضریر

یکی از حضار: فقط مشکلش این است که بیشترش یعنی پانزده‌تایش بیشتر موضوعاتش حج است و بعد هم مکاسب و بیع

آیت الله مددی: حج است بله صلاة و اینها کمتر بله

یکی از حضار: طهارت دارد ولی

آیت الله مددی: ما الان مشکلی که الان داریم در اینجا این است ما الان فعلاً از باب احتیاط با آن معامله کردیم یک نسخه از کتاب حریر ، این یک . مساله‌ی دوم اینکه می‌گوید لقی ابی الحسن شاید بگوید به اینکه مثلاً ایشان طبقه‌اش بعدی بوده ، ابی الحسن مراد موسی بن جعفر است ، اما ابی الحسن را در بصره دیده است ایشان ، همین یاسین ضریر شاید مثلاً جزو اصحاب حضرت رضا بوده زمان ، چون باید بخورد به محمد بن عیسی ، محمد بن عیسی یقطینی

یکی از حضار: تصریح کرده به بصره ؟

آیت الله مددی: بله چون حضرت در زندان بصره بودند یک مدتی

یکی از حضار: لما كان بالبصرة

آیت الله مددی: لما كان بالبصرة یک ملاقاتی ، این معنایش این است که ایشان طبقه‌اش برای بعد از حضرت رضا و اینهاست لکن حضرت موسی بن جعفر هم دیده است آن وقت یاسین ضریر از حریر نقل می‌کند ، حریر شواهدش نشان می‌دهد زمان امام صادق شهید شده است اینکه یاسین ضریر حریر را دیده باشد محل کلام است ، دقت کردید ؟ آن وقت این تعبیر مرحوم ابن الولید ما كان فيه عن محمد بن عیسی باسناد منقطع شاید اشاره به این باشد ، شاید نمی‌دانیم حالا به چیست .

یعنی ایشان از یاسین ضریر از حریر نقل می‌کند که سند منقطع است ، طبقه‌ی او نیست ، طبقه‌ی حریر نیست ، حالا این را چون باید بعد جداگانه شرح بدهیم این را بعد دو مرتبه ، غرضم به هر حال هم یاسین ضریر شرح حال روشنی ندارد و انفرادی که دارد از به اصطلاح از حریر است حالا یک حدیث از غیرش دارد عبد الرحمن بن ابی عبد الله ، ابی عبد الله بصری از روات اهل سنت است نزد اهل سنت معروف است به همین عنوان هم معروف است ابو عبد الله بصری به اسم نه ، آن وقت پرسش از روات شیعه است عبد الرحمن از اجلاء ماست یعنی به حساب از مصادر اولیه است یعنی عبد الرحمن بن ابی عبد الله جزو مصادر اولیه‌ی بصره‌ی ما حساب می‌شود ، یاسین ضریر هم از بصره است اهل بصره است از او نقل می‌کند دیگر به هر حال فعلا یک مقداری اشکالات ما در حقیقت در اینجا است یعنی در مصدر اول و متوسط این است که ما از کتاب یاسین ضریر حسابش بکنیم یا از کتاب حریر .

لکن چون به هر حال یاسین ضریر از حریر گرفته است ما در طبقه بندی‌اش این را جزو کتب حریر حساب می‌کنیم ، روایات حریر حسابش می‌کنیم و انفراد هم دارد البته از یاسین ضریر یکی دو تا ، از محمد بن عیسی ، از یاسین ضریر یکی دو تا دیگر هم داریم مثل احمد بن محمد بن عیسی عن یاسین که به نظر اشتباه است اشتباه نسخه باید باشد ، کسانی که از یاسین نقل می‌کنند از یاسین ضریر .

به نظر احمد بن محمد بن عیسی ، احمد بن محمد بن محمد بن محمد بن عیسی بوده است ، عن محمد بن عیسی ، به نظر باید این جوری باشد آن جوری که نوشته شده است فکر نمی‌کنم باشد به آن ترتیب وارد نشده است . علی ای حال یک نکته هم و جزو این محمد بن عیسی مشایخ

یکی از حضار: غیر از ایشان مثلا در کافی محب بن شعیب نسابوری هست در استبصار محب بن شعیب نسابوری هست و در تهذیب هم از طریق کلینی هست بعد محمد بن احمد بن یحیی بن عمران تک سند هست در کافی

آیت الله مددی: محمد بن احمد بن یحیی بن عمران همین صاحب نوادر الحکمة است قطعا محمد بن عیسی افتاده است چون ایشان یاسین ضریر را درک نکرده است ، محمد بن احمد بن

یکی از حضار: بله البته در سندی که چاپ شده است محمد بن عیسی این را تصحیحش کردند محمد بن احمد بن یحیی منتهی شما فرمودید تصحیحش کنید به احمد بن محمد بن عیسی

آیت الله مددی: آها این طور باید باشد ، معلوم شد ؟ محمد بن احمد بن یحیی اصلا این جزو مشایخ است چون جزو استثنائات ابن الولید است اصلا تصریح کرده است ، ابن الولید می‌گوید روایتی که محمد بن احمد از محمد بن عیسی نقل می‌کند باسناد منقطع این به همین مناسبت .

پس اینکه محمد بن احمد بن یحیی از یاسین ضریر نقل کند این باطل است این سند خرابی دارد ، این باید اینطوری باشد محمد بن احمد عن محمد بن عیسی عن یاسین ، آن یحیی نبوده عیسی است . یا محمد تنها عن محمد بن عیسی عن یاسین ضریر آنجا هم تصحیح کرده توضیح دادیم .

علی ای حال با این تفسیر طبقاتی که ما عرض کردیم می شود خیلی راحت هم شناسایی عیوب سند را پیدا کرد و هم خیلی راحت ارزیابی کرد حدیث را ارزیابی فهرستی یعنی مشکلی که ما الان داریم سر وثاقت یاسین ضریر نیست .

یکی از حضار: آن یک موردی هم که در چیز است در کافی است

آیت الله مددی: اما یک جا محمد بن احمد بن عیسی هم داریم عن یاسین ضریر من به ذهنم اینطور است الان احمد بن محمد آن هم باید

یکی از حضار: در کافی است دیگر احمد بن محمد بن عیسی بعد تصحیحش کردند گفتند که اینطور باید درستش محمد بن احمد بن یحیی باشد .

آیت الله مددی: نه این طور گفتیم این طور بوده محمد بن احمد عن محمد بن عیسی عن یاسین ضریر احمد بن محمد عیسی غلط است .

یکی از حضار: بله اینطوری تصحیح شده است .

آیت الله مددی: این دقت کردید ؟ این وقتی که اسانید را با هم دیگر بررسی کردیم و طبقات و نسخه شناسی فقط الان دقیقا نمی توانیم بگوییم که آیا یعنی محمد بن عیسی اضافی بر اینکه خودش کتاب داشته راوی کتب هم هست این هم یک نکته ی دیگری است در مثل محمد بن عیسی این را سریعاً می گویم که بعد چون یک توضیحی بعد عرض می کنیم .

یک قسمتی هم یعنی محمد بن عیسی هم خودش تالیف دارد که می شود جزو مصادر متوسط ، هم راوی کتب است مثل فرض کنید کتاب یونس یا یاسین ضریر راوی کتب است هم اضافی بر اینها روایات شفاهی هم دارد . آیا حالا اینها را نوشته بوده یا نقل کرده است آنها برای ما روشن نیست .

مثلاً همین روایتی که می گوید حضرت جواد می فرمایند علیکم بالاغتیال این روایت شفاهی است در کتابی نیست و این البته عرض کردیم یک دفعه ی دیگر عرض کردیم محمد بن عیسی دو تا روایت دارد در باب ترور از امامان متاخر ما که کسی دیگری هم نقل نکرده است و خیلی هم عجیب است یکی از حضرت جواد و روایاتش هم نمی دانم به همین محمد بن عیسی برمی گردد .

.....
علیکم بالاغتيال ، ترورش بکنید ، خدا رحم کرده که حضرت جواد زمان ما نبودند و الا سازمان مبارزه‌ی جهانی با تروریسم ایشان را دستگیر می‌کردند ، یکی هم از امام هادی راجع به فارس بن حاتم این هم محمد بن عیسی است و این خیلی بدتر است می‌گوید رفتم یک شمشیر آوردم حضرت فرمودند با این نه ، اصلاً تماس با حضرت هادی در به اصطلاح بغداد فوق العاده مشکل بود ، حتی دیدن حضرت در خیابان مشکل بود بعد می‌گوید اصلاً رفتم ساطور آوردم حضرت فرمود این خوب است با ساطور بزنی‌اش ، یک کرامتی هم نقل می‌کند که با ساطور زدم ساطور پرت شد مردم هم ریختند و من را پیدا نکردم غرض می‌خواهد بگوید که آن آقا کله‌اش را شقه کرده است .

علی ای حال هم نحوه‌ی ترورش هم خیلی دلخراش است دقت می‌کنید ؟ و این متأسفانه به نظر من روایات شفاهی محمد بن عیسی است نه از مصدري نقل می‌کند نه خودش در کتاب ظاهراً شفاها از او نقل کردند و هر دوی برای ما و نمی‌دانیم هنوز هم محمد بن عیسی چرا این دو مطلب را نقل کرده است چون از امام دیگری ما این مطلب را نداریم . قصه‌ی مسلم را داریم که حضرت فرمود الاسلام قید الفتک ، قصه‌ی مسلم بن عقیل داریم که شریک بن عبد الله دعوت کرد عبید الله بن زیاد را بعد به مسلم گفت بلند شو پشت در بایست و ترورش بکن گفت نه ، الایمان قید الفتک ، ما اهل ترور کردن نیستیم .

آن که خوب معروف است منبری‌ها هم می‌خوانند اما این دو تا تعبیر خیلی بله آقا ؟ این دو تا تعبیر خیلی تعبیر عجیبی است و من ندیدم کسی راجع به ترجمه‌ی محمد بن عیسی روی این جهت دست گذاشته باشد .

یکی از حضار : دو نفر کاملاً مشخص است اسم او

آیت الله مددی : اسم هر دویشان مشخص است علیکم بالاغتيال می‌خواهید بیاورید ، راجع به این حضرت جواد ، آن وقت می‌گوید آن طرف وقتی فهمید حضرت جواد گفتند خیلی مواظبت کردند تا دور شد از مساله آن طرف دائماً مواظب بود که ترور نشود اما آن فارس بن حاتم که ترور شد با ساطور آن هم ، زد به کله‌اش نصفش کرد .

علی ای حال انصافاً قبول این دو تا روایت خیلی ، نه قبولش اصلاً چطور محمد بن عیسی ، آن وقت از آن طرف هم اینها از خاندان یقطین هستند که یقطین از دعوات معروف بنی عباس است اصلاً یقطین از چهره‌هایی بود که از عراق و از مدینه بود رفت به خراسان در رکاب ابو مسلم خراسانی بود اصلاً در جنگ‌های ابو مسلم شرکت کرده است و لذا بنی عباس برای یقطین خیلی ارزش قائل بودند چون یکی از ارکان حرکت آنها یقطین بود ، بچه‌هایش تصادفاً با موسی بن جعفر و ائمه بودند من جمله علی بن یقطین معروف و من از بچه‌های یقطین الان سه نفر را می‌شناسم .

یکی از حضار : آن روایت اسلام قید الفتک هم دارد

آیت الله مددی: الایمان الاسلام دارد، چون آنجا دارد یعقوب بن یقظین گفتند شیعه بوده و یکی هم عبید جد این محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین

یکی از حضار: قید الفتک هم می شود خواند یا نه؟

آیت الله مددی: قید الفتک به نظر من درست نباشد قید الفتک، الاسلام قید الفتک، فتک همان ترور است دیگر، غرض اینکه با این روایت خیلی عجیب است نوشته بود آن شخص هم خیلی مواظب بود که ترور نشود تا اینکه نمی دانم قصه چه شد حضرت جواد شهید شدند چه شد قصه به هم خورد یا جای دیگر رفت، غرض آن دارد در تهمه ای دارد علیکم بالاغتيال

یکی از حضار: ها اینجا دارد که می گوید قال حدثنا محمد بن عیسی بن

آیت الله مددی: ببینید حدثنا گفت این درست است یعنی شفاهی است حدیث

یکی از حضار: از اولش بخوانم قال سعد، شماره ۱۰۱۳ کشی: قال سعد: و حدثني محمد بن عیسی بن عبید، قال: حدثني اسحاق الانباري، قال، قال لي أبو جعفر الثاني عليه السلام: ما فعل أبو السمهري لعنه الله يكذب علينا، و يزعم أنه و ابن أبي الزرقاء دعاء إلينا، أشهدكم أنني أتبرأ إلى الله عز و جل منهما، انهما فتانان ملعونان، يا اسحاق

آیت الله مددی: البته اشکال مهمی ندارد این دو شخص از شیعه بودند و غلاتی بودند که برای ائمه الوهیت یعنی حضرت می گویند این مشکل درست کرده برای ما، آبروی مذهب را می برند، خیلی هم چنین. اما اینکه حضرت بگویند اغتيال بکند آن مشکل دارد، آن فارس بن حاتم هم همینطور بوده است یعنی آن هم جزو شیعیانی بوده که گمراه می کرده شیعه را بحث الوهیت ائمه را، از این منحرفین بوده نه منحرفین اهل سنت که بخواهد مثلاً دقت می کنید؟ خوب بله.

یکی از حضار: یا اسحاق أرحني منهما یرح الله عز و جل بعیشك في الجنة. فقلت له: جعلت فداك يحل لي قتلها؟ فقال: انهما فتانان يفتنان الناس، و يعملان في خيط رقبتی و رقبة موالی، فدمأؤهما

آیت الله مددی: نخ رگ ما، ها یعنی آبروی ما، به دولت اصلاً ما را پیگیری می کند برای ما در دسر درست می کند اصلاً ما را به کشتن می دهد اصلاً نه اینکه خیط رقبتنا بله

یکی از حضار: فدمأؤهما هدر للمسلمين، و اياك و الفتك، فان الإسلام قد قيد الفتك و أشفق أن قتلتها ظاهراً أن تسأل لم قتلته، و لا تجد السبيل إلى تثبيت حجة، و لا يمكنك ادلاء الحجة فتدفع ذلك عن نفسك، فيسفك دم مؤمن من أوليائنا بدم كافر، عليكم بالاغتيال. یکی از حضار: ها یعنی خودت را می کشند اگر نتوانستید.

یکی از حضار: قال محمد بن عیسی:

آیت الله مددی: من نمی فهمم فرق بین فتک و اغتیال چیست، نه؟

یکی از حضار: یعنی یک جوری که نفهمند تو کشتی

آیت الله مددی: بعد هم خیلی مواظب باش نفهمند تو هر جوری هست دفعش بکن

یکی از حضار: بقیه نمی فهمند.

آیت الله مددی: دقت کردید؟ علیکم بالاغتیال، بله.

یکی از حضار: قال محمد بن عیسی: فما زال اسحاق يطلب ذلك أن يجد السبيل الى أن يغتالهما بقتل، و كانا قد حذراه لعنهما الله.

آیت الله مددی: حذراه، نه حذراه، پرهیز

یکی از حضار: از اغتیال پرهیز می کردند.

آیت الله مددی: مواظب بودند که ترور نشوند در دام نیافتند، روشن شد؟ دیگر حالا تا بعد می گوید چه آخرش؟

یکی از حضار: و كانا قد حذراه لعنهما الله.

آیت الله مددی: ها من خیال می کردم بعدش هم دارد که تا یک مدتی اینها احتیاط می کردند.

علی ای حال این روشن شد چه می خواستم بگویم؟

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين